

فشرده گزارش کنگره موسسان "حزب چپ" آلمان

هانس مودرو، آخرین رهبر آلمان دموکراتیک: آلمان به یک حزب سوسیال دموکرات دوم نیاز ندارد. حزب چپ جدید باید گام جدیدی در راستای تاریخ جنبش طبقه کارگر آلمان بردارد. در چنین اقدامی، این حزب نباید به ریشه های خود در تاریخ انقلابی سوسیال دموکرات ها، کمونیست ها، سندیکالیست ها و جنبش اجتماعی پشت کند. حزب چپ می بایست به مخالفت با جریان عمده نولیبرال در سیاست و توسعه اجتماعی برخیزد، بدون هیچ ملاحظه ای در این زمینه و اینکه چه حزبی و یا چه نیروی اجتماعی ای آن را در پارلمان نمایندگی می کند و در نهایت باید مخالفت خود با کاپیتالیسم را در سیاست هایش ترجمه کند، به دفاع از آن ها به پردازد و آن ها را با برداشت خود از سوسیالیسم در قرن ۲۱ ترکیب کند .

برلن، پایتخت جمهوری آلمان، در روزهای ۲۵ و ۲۶ جوزا صحنه وحدت و یکپارچگی دو جریان سیاسی چپ قابل ملاحظه این کشور بود. تدارک این مرحله نهایی وحدت "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" (پ.د.اس. P D S) که عمدتاً در شرق آلمان فعالیت داشته، و جریان چپ سوسیال دموکراسی موسوم به "آلترناتیو انتخاباتی کار و عدالت" (و.ا.گ.اس. W E G S) که عمدتاً ریشه در جناح چپ حزب سوسیال دموکرات آلمان، اتحادیه های کارگری و جنبش "ضد جهانی شدن" در غرب آلمان دارد، به شکلی سمبولیک و بسیار حساب شده طراحی شده بود. در روز ۲۵ ماه جوزا آخرین اجلاس کنگره های دو نیروی سیاسی مستقل، در دو سالن مجاور که توسط یک دیوار مصنوعی موقت جدا شده بودند، برگزار شد و روز بعد با کنار رفتن دیوار و یکی شدن سالن که اکنون به نحو بسیار زیبایی تزئین شده بود، نزدیک به ۸۰۰ تن از نمایندگان دو حزب در کنار هم در کنگره واحدی روند وحدت را با آرا خود قطعی و

قانونی کردند. (پ.د.اس. P D S). بیش از ۶۰۰۰۰ و (و.ا.گ.اس. W E G S) نزدیک به ۱۲۰۰۰ عضو دارند. در انتخابات ۲۰۰۵ لیست مشترک دو حزب بر پایه یک پلتفرم ضد جنگ و ضد "جهانی شدن" و مخالفت با سیاست های نولیبرالی ۷، ۸ درصد آرا را جلب کرد و اکنون ۵۳ نماینده در پارلمان آلمان دارد. نمایندگان ۶۸ حزب و سازمان سیاسی چپ از ۴۷ کشور و سفرای کوبا، بولیوی، اکوادور، ونزوئلا و بلاروس و دیپلمات های شماری از سفارت خانه های مستقر در برلن در کنگره موسسان حضور داشتند.

حضور رفیق فائوستو برتونیتی، رهبر حزب "کمونیست رفانداسیون" ایتالیا، و سخنگوی پارلمان این کشور که همچنین رهبر حزب چپ اروپا نیز می باشد، و همچنین رفیق فرانسیس وورتز، رهبر فراکسیون نمایندگان چپ و کمونیست، در پارلمان اروپا، در جریان کنگره موسسان "حزب چپ" آلمان بشارت دهنده تولد یک سازمان چپ ترقی خواه و گواه تغییر مهمی در موازنه نیروهای سیاسی در این کشور بزرگ و قدرتمند اتحادیه اروپا است. رفیق برتینوتی این واقعه را "روز بزرگی برای اروپا" خواند و فرانتس وورتس کنگره وحدت را "یک واقعه تاریخی" خواند. این کنگره که نقطه اوج و نتیجه یک روند طولانی دوساله و بحث و مشورت های فراوان بین "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" و سازمان "آلترناتیو انتخاباتی کار و عدالت" بود از همان ابتدای کار توجه زیادی را در رسانه های گروهی آلمان و اروپا برانگیخت. تحلیل گران سیاسی آلمان و اروپا ظهور "حزب چپ" به مثابه سومین حزب سیاسی عمده آلمان را یک عامل تغییر در آینده تحولات این کشور ارزیابی کرده اند.

کنگره پایانی "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" (پ.د.اس.)، روز ۲۵ جوزا، با سخنرانی جالب هانس مودرو، سیاستمدار برجسته و مارکسیست آلمان، آغاز شد. هانس مودرو، آخرین رهبر آلمان دموکراتیک، و یکی از معماران "پ.د.اس." و صدر افتخاری آن بر این نکته تأکید کرد که حزب جدید چپ نباید به یک حزب سوسیال دموکرات دیگر تبدیل شود. او گفت: "آلمان به یک حزب سوسیال دموکرات دوم نیاز ندارد. حزب چپ جدید باید گام جدیدی در راستای تاریخ جنبش طبقه کارگر آلمان بردارد. در چنین اقدامی، این حزب نباید به ریشه های خود در تاریخ انقلابی سوسیال دموکرات

ها، کمونیست ها، سندیکالیست ها و جنبش اجتماعی پشت کند. حزب چپ می بایست به مخالفت با جریان عمده نولیبرال در سیاست و توسعه اجتماعی برخیزد، بدون هیچ ملاحظه ای در این زمینه و اینکه چه حزبی و یا چه نیروی اجتماعی ای آن را در پارلمان نمایندگی می کند و در نهایت باید مخالفت خود با کاپیتالیسم را در سیاست هایش ترجمه کند، به دفاع از آن ها به پردازد و آن ها را با برداشت خود از سوسیالیسم در قرن ۲۱ ترکیب کند.“

هانس مودرو در انتها با تاکید بر اینکه نسل مبارزان ضد فاشیسم همواره حامی حزب چپ و جوانان سازنده جنبش حاضر خواهد ماند، سخنان خود را با این کلمات به پایان برد که: ”من آرزو می کنم که حزب جدید چپ موقعیتی محکم، تداوم یابنده و مستقل در جامعه داشته باشد. هویتی سوسیالیستی که با اعتماد و موافقت اعضا، جنبش اجتماعی و رای دهندگان روبرو گردد. با آرزوی پیروزی برای آخرین کنگره ” پ.د.اس.“

آخرین اجلاس ” پ.د.اس.“ آنگاه اسناد ضرور را تصویب و انتخاب های لازم را برای ترکیب رهبری حزب چپ، که قرار بود روز بعد شکل بگیرد، به انجام رساند. در پایان جورج گیزی، صدر گروه ۵۳ نماینده ”چپ“، در پارلمان آلمان، درباره سهم ”هانس مودرو“ در حیات ۱۷ ساله این حزب و کوشش های او برای احیاء جنبش سوسیالیستی شرق آلمان و تبدیل حزب ” پ.د.اس.“ به یک جریان اصیل و مدرن چپ در سراسر آلمان سخن گفت و از او قدر دانی کرد.

پروفسور ”لوتار بیسکی“، عضو حزب سوسیالیست متحده آلمان دموکراتیک و شخصیت برجسته ”آکادمی علوم اجتماعی“ کمیته مرکزی آن، و همچنین اسکار لافونتن، عضو برجسته سابق حزب سوسیال دموکرات آلمان و وزیر دارایی آن، در دولت سوسیال دموکرات ها در سال ۱۹۹۸، مشترکاً به مقام صدر حزب چپ انتخاب شدند. کنگره بر پایه قرار های مصوبه اجلاس های جداگانه ” پ.د.اس.“ و ”و.ا.گ.اس.“ ارگان های رهبری خود را انتخاب و قرار های لازم را برای شروع پر قدرت حزب جدید چپ به تصویب رساند. لوتار بیسکی در سخنرانی خود خطاب به

کنگره وحدت گفت: ”چپ جدید چالشی برای همه ماست که از“ پ.د.اس.“ و ”و.ا.گ.اس.“ می آئیم. این چالشی برای جامعه است، زیرا ما به چیزی کمتر از یک جامعه عادلانه قانع نیستیم... ما خواهان جامعه ای صلح آمیزیم. نظر ما در رابطه با تجربیات دیگر و تفکرات متفاوت سیاسی: از اتحادیه های کارگری، از کسانی که تعلق تشکیلاتی ندارند، از کسانی که اشتغال غیر ثابت دارند، دست اندرکاران بخش هنر و یا بیکاران منقطع باقی خواهد ماند. چپ جدید باید با این طیف ها به طور خلاقانه برخورد کند و آنها در کنار هم جمع کند. اکنون زمان آن رسیده است که ما در سیاست های مشترک مان نقد اجتماعی و رهایی طلبانه سرمایه داری را به کار بگیریم.“

اسکار لافونتن، چهره رادیکال جناح چپ سوسیال دموکراسی آلمان که از سال ۱۹۹۹ در مخالفت با دولت آلمان مواضع سوسیالیستی پیگیری داشته است، در سخنرانی خود در کنگره با معرفی حزب چپ به مثابه ”حزب نوسازی دموکراتیک“ ضرورت وحدت دو جریان ضد سرمایه داری را مورد تاکید قرار داد و به ارثیه معنوی سه چهره برجسته جنبش کارگری آلمان اشاره کرد و گفت: اول از همه روزا لوکزامبورگ، سوسیالیست برجسته است که ارثیه او برای ما اینست که ”آزادی همچنین به معنی آزادی آن هایی است که انتخابی متفاوت می کنند.“ دوم کارل لیبنکنشت است که ”در زندگی خود نشان داد که هیچ چیزی دشوارتر از مقاومت در مقابل تفکر و فرهنگ غالب نیست. او مخالف طبقه کارگر با جنگ را، هنگامی که بر ضد تصویب اوراق قرضه برای جنگ- در مجلس رایشتاگ آلمان رای داد، پایه گذاری کرد. نفر سوم ویلی برانت است که دلیل پیوستن من به سیاست بود. ارثیه ویلی برانت، این جمله او بود که می گفت: نباید هیچ جنگ دیگری از خاک آلمان سرچشمه بگیرد. اسکار لافونتن در ادامه افزود: ”سرمایه داری آبستن جنگ است، همانگونه که ابر آبستن باران است. تروریسم به معنی کشتن غیرقانونی مردم برای دلایل سیاسی است، این به این معنی است که ما باید نقطه پایانی بر این یک بام و دو هوایی غرب بگذاریم. در تحلیل نهایی بوش، بلر و همه آن هایی که آغازگر جنگ های غیرقانونی بر اساس

قوانین بین المللی اند، مقصر و تروریست هستند. ما باید این مواضع را خیلی روشن اعلام کنیم“.

کنگره موسسان ”حزب چپ“ که هفته ای پس از تظاهرات موفق بر ضد اجلاس گروه ۸ در رستوک برگزار شد، موج جدیدی از حمایت از چپ و سیاست های ترقی خواهانه در آلمان براه انداخته است. در یک نظر سنجی عمومی که اخیراً انجام شد ۲۴% رای دهندگان اعلام کردند که در انتخابات آینده به ”حزب چپ“ رای خواهند داد. گفته می شود که هم اکنون تعدادی از نمایندگان حزب سوسیال دموکرات، در پارلمان، و همچنین فعالان سرشناس و رهبران اتحادیه های کارگری آلمان در تدارک پیوستن به حزب چپ اند. در طول ۳ روز پس از پایان کنگره بیش از ۲۵۰۰ عضو جدید به حزب جدید پیوسته اند. همه شواهد بر این دلالت دارند که صف بندی نیرو های سیاسی در آلمان بطور پایه ای تغییر کرده است. ترقی خواهان جهان این تولد را به فال نیک می گیرند .

در طول مدت کنگره هیئت های نمایندگی با رهبران ”حزب چپ“ و همچنین برخی از احزاب برادر حاضر در کنگره و از جمله حزب کمونیست هند، حزب کمونیست ویتنام، حزب کمونیست ونزوئلا، حزب کمونیست آفریقای جنوبی، کنگره ملی آفریقای جنوبی، حزب مردم فلسطین، حزب کمونیست آلمان و آکل قبرس ملاقات و تبادل نظرهایی را انجام داد. هیئت های نمایندگی به طور همزمان با برخی رهبران ”حزب چپ“ آلمان و همچنین اعضای پارلمان آلمان و پارلمان اروپا ملاقات و تبادل نظر داشتند.

بر گرفته از سایت انترنتی ح.ت.ا

www.ayenda.org